

جنگ، جنگ است. در هر جنگی مادران فرزندان، زنان همسران و کودکان نان آوران خود را از دست می دهند. در هر جنگی - با توجه به مدت و حدت آن - انسانها گروه - گروه کشته می شوند و یا برای همیشه معلول باقی میمانند. در هر جنگی شهرها و روستاهای با خاک یکسان می گردند و کارگاههای کارخانه های اباد می شوند. هر جنگی قحطی و گرسنگی و فقر و بی خانمانی برای اکثریت، یعنی محرومین و کثروت کلدن برای غارتکران به مردم دارد.

اما، آنچه را که نمی توان نادیده گرفت، خصلت جنگ و علل و عوامل زاینده آن است. وقتی ارش بیکانه، بهر علتی، وارد سرزمین مایه شود، وظیفه هر ایرانی است که از میهن خود دفاع کند. همه ایرانیان میهن دوست به موقع خود برای بپرون راندن نیروهای نظامی ببیکانه از سرزمین خود بهاختسته، رزمیدند، از جان خود مایه گذارند و سر انجام نیز میهن خود را از لوث وجود نیروهای نظامی ببیکانه پاک کردند. امروز همه می دانند که در آن روزهای سرنوشت ساز، فرزندان جان باخته حزب توده ای ما، افضلی ها، بقیه در صفحه ۴

اطلاعه هیئت سپاه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفیق انوشیروان ابراهیمی
به شهادت رسید



هموطنان عزیز! رفقا! دردنگ است، اما حقیقت دارد. به اطلاع می رسانیم که رفیق انوشیروان ابراهیمی، مدیر کمیته مرکزی و عضو هیئت اجراییه و قتل حزب توده ایران به شهادت رسیده است. حاکمیت ددمنش ۱. برای تحکیماندن ریشه های ایمان این مبارز توده ای، فرزند فداکار خلق آذربایجان، بسیار تلاش کرد. امامتگر می توان اندیشه های عمیق انسانی و انقلابی، عشق به آزادی و صلح و سوسیالیسم و مردم دوستی را در وجود انسانی که تعالم زندگی اش را با این آرمانها سیری کرده است به خاکستر تبدیل ساخت؟ سرانجام حکم اعدام او، که از چندی پیش صادر شده بود، به اجرا درآمد. اجرای حکم اعدام بعضی اینکه رژیم در کار ضد انسانی خود موفق نشد.

رفیق انوشیروان ابراهیمی در اردیبهشت ماه سال ۶۲، هنگام پورش سراسی به حزب توده ایران دستگیر شد. از همانگاه شکنجه "شدید" و مدام اورد کنار دیگر توده ایهای در بند آغاز گردید. هر ایزار شکنجه ای، را بکار گرفتند. با کابلهای سیمی "تعزیر" شن کردند، از پا آویختند و تازیبان اش زدند. سلو افرادی، شکنجه های روانی، گرسنگی، تحقیر، دشمن، عدم دسترسی به بیشک و دارو، قطع ملاقات و... امابر آن غرور انسانی و توده ای در چشمانش خاموش نکردند. این بود که حکم اعدام را اجرا کردند.

رفیق انوشیروان ابراهیمی، متولد سال ۱۳۰۶، در بد و تاسیس سازمان جوانان حزب توده ایران به عضویت آن و بیسی به عضویت حزب درآمد. پس از پیروزی جنبش خلق آذربایجان در تبریز به آموزش نظامی پرداخت. در جریان پورش همگین و وحشیانه ارش مزدور شاه به آذربایجان ناگزیر از مهاجرت گردید، در حالی که کمینه دشمنان خلق، قاتلان دهها هزار نفر از فرزندان بقیه در صفحه ۴

پذیرش آتش بس و چشم انداز آینده

مامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۱۷ دوره هشتم سال پنجم

سه شنبه ۱۴۶۷/۵/۴

بهاء ۲۰ ریال

اولادیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اساسی مردم میهن ماست، ببیره اگر در نظر گرفته شود که رژیم سرنوشت خود را با ترور و اختناق و جنگ گره زده است. از اعلام قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد تا امضا موافقت نامه صلح و تضمین امنیت در سراسر منطقه راه درازی در پیش بیانی شنی شد. کسانی که تا چند روز پیش شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می دادند و با سو استفاده از باورهای مذهبی مردم می گفتند: "جنگ امروز ما، جنگ قدامت، عزت، شرف و استقامت علیه نامردی هاست"، آن عناصر ضد خلقی دایر بر آتش بس و نشتن پشت میز مذاکره، پیروزی بزرگ توده های رجتیک و پیشاپیش آنان کارگران و نیروهای انقلابی و از آنجله حزب توده ای ماست. اما بار دیگر هشدار می هنوز که هنوز آغاز کار است و باید به مبارزه باشد روز افزون ادامه داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران توجه هم میهنان را ببیره به اولادیه "ستاند فرماندهی کل قوا" منتشر شده در ۲۷ تیر ۶۷، جلب می کند. در این اعلام کردیم که هیچیک از طرفین مخاصمه در جنگ پیروز نخواهد شد. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیانیه "سیاسی اخیر خود نیز در تفسیرهای مهم دیگر ارگانهای تبلیغاتی صریحاً نوشت که کشور ما آبستن حوادث مهمی است. ما از مردم ایران خواستیم تادر راه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب سران رژیم بپیکار کنند. ما، بدرستی و در شرایط مناسب آن ایام قبول این قطعنامه را به سود مصالح ملی دانستیم. اما با خواهران و برادران با کمال قدرت و بدون اندکی هراس مخالفت خود را با اعزام عزیزان خود به چبههها علناً در خیابانها، در کوی و بزرگ نشان دهید. این رژیم ضد خلقی و جلدان آن هستند که اینک از توده های میلیونی هراس دارند و باید پاسخگوی خونهای به هدر رفته" پسران و برادران و نوباتگان ما باشند. فرزندان شا باید به آغوش مادران و برادران و همسران خود بیانگرند. جنگ جر فلاتک و بدبختی هرگ و بیکاری و بد بختی زائیده "جنگ".

با انتشار تلگرام سران رژیم به دبیر کل سازمان ملل متحد کام نخست در راه تحقق خواست مردم برای پایان دادن به جنگ برد امتحنه شده است. اما این کام هنوز به معنی آن نیست که باید مبارزه در راه صلح را پایان یافته تلقی کرد. صلح در پیورند تنگاتنگ با آزادی های دمکراتیک، خواست عدمه و

زنده باد صلح!
مرگ بر جنگ آفروزان و جنگ طلبان!
کمیته مرکزی حزب توده ایران

برقرار باد "جهه آزادی و صلح"! سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

اساسی جنابعالی را که از افراد متدين مورد وقوف و درد آشناي اسلام و انقلاب می باشيد، بعنوان يكی از فقهاء شورای نگهبان منصوب مينمايم. توفيق بيشتر شما را در راه تاييد قوانين مورده رضایت خداوند و درجهت کشك به مستضعفين و محرومین جامعه اسلامي ايران خواستارم".

از متن اين حکم چنین برمی آيد که محمد يزدي از افراد مورده اطمینان خياني بوده و در تمام مدت پس از انقلاب با موافقت او نقش ويزه خودرا در مجلس ايفا می کرده است. اما اينکه به شخصي مانند او صفت "درد آشنا" را بحسبانند و توفيقش را "درجهت کشك به مستضعفين و محرومین" خواستار شوند دست کم دهن کجوي به نظر آشكارا بيان شده "شرکت کنندگان در انتخابات" است. کسی را که "حزب الله" هم برای نمایندگی مجلس صالح تشخيص نداده، خياني بعنوان عضو اركانی منصوب می کند که "آقا بالاس" مجلس است.

جالب توجه اينکه خود محمد يزدي هم شكت خود را در انتخابات بمتابه کوتاه شدن دستش از ايقای نقش درجه اول پذيرفته و از آينده خود قطع اميد کرده بود. او بعنوان سپايساگزاری به خمياني چنین مي نويسد: "... صدور حکم و دستور واجب الاطاعه آن حضرت مبنی بر انجام وظيفه اينجانب در نهاد شورای محترم نگهبان که موجب توفيق بيشتر اين جانب و پيشکري از ابتلا به ذنب کنار بودن از انقلاب شد...".

يزدي شكت خورده ناگهان " توفيق بيشتر" يافت و بنا به حکم خياني جانشين آيت الله صافي عضو سابق شورای نگهبان گردید که در جريان تصويب قانون کار آن نامه معروف را به خمياني نوشت و توهنه خورد.

از همان هنگام روشن بود که جای آيت الله صافي دیگر در شورای نگهبان، آن هم در مقام دبیری آن، نیست و بزودی جای خود را به دیگري واگذار خواهد کرد، اما هيجكش نمي توانست حدس بزنده که خياني بجا او محمدی گيلاني معروف را بعنوان دبیر شورای نگهبان توصيه خواهد کرد.

محمد محمدی گيلاني، مؤلف کتاب "حقوق كيفرى در اسلام" و كسيکه در همين زمينه سخنرانيهای مشتمل‌کننده‌ای در سيميای جمهوري اسلامي ايراد می کرد و اعجوبيه ایکه با سپردن فرزند بيکناش به جوخد اعدام موافقت کرده است و بعلت بي شورى و خونخوارى مورد تنفس عموم است ناگهان نظارت عاليه بر قوه قانونگذاري را به عهده مي گيرد!

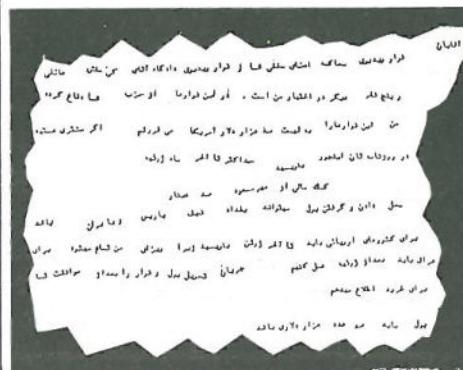
اما آيا خياني مي تواند در اين شرایط بحرانی برای رئیم "ولایت فقيه" به کمک کسانی نظير يزدي و گيلاني که حتی "امت حزب الله" دست کذاشت آنها گذاشته اند موضع خود را از نو تثبت کند؟ گرچه "رهبر جمهوري اسلامي" هيشه آخرین کسی است که به واقعیات سر مستخت زندگی کردن می نهد و لجاجت او بيوسته به بهای گرانتری برای مردم و کشور تمام شده و میشود، پايان پرسش بيگمان منفي است.

سوداگري با دفاعيات رفقا کي منش و هافقی و ۰۰۰

بساكه برشی دیگر از رفقای مانیز در زندانها کشته شده باشد که بیگمان در آینده پرده از این چنایتهاي رئیم نیز برداشته خواهد شد. اما بايد به نويسنده "پیام که می خواهد روى دفاعيات رفقای ما در بر ابر رئیم ضد خلقی ج. ا. دست به سوداگري پرند، بتکوئيم که حزب توده" ايران، حزب مشتري افراد زحمتکش و انقلابي است که اکثريت قریب با تفاشقان از رفاه مالي برخوردار نیستند. کشكهای مالي اين افراد به حزب تا آن حد است که بشود به کارهای، روزمره سرو و صورتی داد، نه بيشتر. بنابر اين بودجه اي برای حزب باقی نمیماند. اگر هم شود برای عراق باید بعد از زوئيه عمل کنيم جريان تحويل پول و نوار را بعد از موافق شما برای خريد اطلاع مي دهم

پول باید صد عدد هزار دلاری باشد

بيانی که ملاحقه می کنید عینا برای حزب فرستاده شده است. فرستنده، که بیگمان يكی از دست اندرکاران با نفوذ رئیم در "دادگاههای انقلاب"، یا "سیاه" و یا "وزارت اطلاعات" ج. ا. است، و چنین بنتظر می رسد خوده حسابهای با رئیم دارد، از مخواسته است تا با پرداخت صدهزار دلار نوارهای ويدئوي محکمه هفت نفر از رفقای توده‌ای، از جمله رفقا کي منش و هافقی (حیدر مهرگان) را دریافت کنیم. نويسنده تاکيد کرده است که در اين نوارها از حزب دفاع شده است. ما در اين زمينه تردید نداشته ايم ونداريم. امروزه نه تنها برای ما بلکه برای همکان روش است که اکثريت توده ايهای دربند با سربلندی و انتشار از حزب شان دفاع کرده اند و می کنند. بی دليل نیست که رئیم ضد خلقی ج. ا.، دهها نفر از رفقای ما را تبرباران کرده و با زير شکنجه به قتل رسانده است. ما در همین شماره "نامه" مردم "خبر شهادت مکي از رفقا کي منش" مرکزی حزب را اعلام داشته ايم. ای



مصرفهای نمی رسید. ما اطمینان داریم که دیر یا زود پایه‌های لرستان نظام نامردی "ولایت فقيه" فرو می‌ریزد و اسناد و مدارک دفاع فرزندان همتان در حزب توده" ايران و دیگر نیروهای مترقبی و انقلابی از آرمانهای، بزرگ انسانی و انقلابی شان در پیداگاههای ج. ا. در دسترس همکان قرار خواهد گرفت. اگر نويسنده "پیام عجله دارد که مردم روز دنی در جريان دفاعيات اين قهرمانان قرار گیرند، می تواند با صرف نظر کردن از بول مورد درخواست نوارهای ابرای مابغت است.

حتی آراء "حزب الله" برای "ولی فقيه" پشیزی ارزش ندارد

نتیجه يكی از "استوانه‌های انقلاب" و چهره‌های سرشناس جمهوري اسلامي، معاون دائمي رئیس مجلس در مجلس دوم، کرسی خود را از دست داد. انتظام میرفت که خياني لااقل به آرا "شرکت کنندگان در انتخابات" احترام بگذارد و او را مانند حبيب الله عسکراولادی وزیر پيشين بازركانی که بعلت دفاع از منافع غارتگرانه بازركانان بزرگ رسو و از وزارت کثار کذاشت آنها گذاشته اند و پر خود نگيرد. اما خياني مدعي پشتبانی از "کوخ نشینان" و "مستضعان"، چهارم تير ماه حکمی با متن زير صادر گرد:

"جناب آقای حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد يزدي دامت افاضاته... طبق اصل ۹۱ قانون

انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی به نظر مردم يك مضحكه تمام عبار بود ولی خمياني و يارانش آنرا آزادترین انتخابات در جهان نامیدند و از "امت همیشه در صحنه" بخاطر شرکت فعال در آن در شرایط دشوار موشک پرائیها و بغارانها تشكير گردند. پس باید لااقل خودشان به نتایج آن احترام بگذارند. همانطور که می دانیم در این انتخابات "حجت الاسلام محمد يزدي"، نایب رئیس مجلس نتوانست در دور اول حتی حد نصاب من در آورد ۲۰. درصد آرا ماخوذه را بدست آورد، اما در صدر ۱۶ نفری بود که انتخاب او به دور دوم موكول گردید. در دور دوم رقیبانی که در دور اول از وی بسیار عقب تر بودند بر او پیشی گرفتند و در

یک طرح ضد انسانی

سنه‌نگ رزیجو، رئیس اداره وظیفه «عمومی» اعلام داشت: «بنا به تصویب شورای عالی پیشیبانی جنگ، کلیده شناسنامه‌های متولدین ذکور ۲۸ تا ۴۵، که تعییض می‌گردد باید به کد و مهر مخصوص اداره نظام وظیفه مهور شود. هر شناسنامه‌ای، که قادر مهر و کد مخصوص اداره وظیفه «عمومی» باشد دارنده آن به عنوان تمرد شناخته می‌شود و با این‌گونه شناسنامه‌ها تواند توانست از مزایا و امکانات اجتماعی کشور استفاده نماید.»

سنه‌نگ رزیجو تاکید کرد: «با اجراء، این طرح تا چند ماه دیگر کلیده افراد غایب شناسائی شده و با طرح‌های تکمیلی دیگر، که در دست بررسی است هر فردی، اوراق هویتی و با اوراقی که مبنی بر انجام خدمت بوده در اختیار نداشته باشد دستگیر می‌شود.»

«خنان رئیس اداره وظیفه» عمومی مشتبه است نموده «خروار» از ترفندهای که شکارچیان انسان برای به دام انکندن جوانان بکار می‌برند. این در حالی است که باندگوهای تبلیغاتی رژیم، حتی در این شرایط که رژیم ناگزیر از بدیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحده شده است، از «بسیج داوطلبانه» میلیونی «خن» می‌گویند و چنین و اندومد می‌کنند که کویا جوانان برای رفت و چیزهای سودست می‌شکنند.

چنان‌مان مشمول، که اکثرب قریب به اتفاقیان حاضر نیستند قربانی هدفهای شوم رژیم شوند - و این نقش سیار مهمی در بدیرش قاعده‌ای ۵۹۸ داشت - عموماً از دوسته خارج نیستند. با خطر می‌کنند و با بیشتر سنه‌نگ روزهای به ترکیه، پاکستان و دیگر کشورها می‌روند تا از چنگ شکارچیان انسان در امان بمانند، و این گروه افزون بر یک میلیون نفر می‌شوند، و با در داخل کشور داشتما در حال مخفی شدن و کمیز از چنگ مامورانند. رژیم همواره در تلاش است تا با طرح‌های یلمسی و غیر انسانی و مسئله عدم استفاده از «مزایا و امکانات اجتماعی کشور» و تهدید به دستگیری جوانان را به زانو درآورد. اما جوانان در مقابله با این طرح‌ها هر روز شوههای نازه‌ای، برای مبارزه ابداع می‌کنند و به رژیم درهای آموزنده‌ای، می‌دهند. ما بر آنهم تا هنگامی که رژیم «لاالت فقهی» بر سر بابت جوانان نزی با دشواریهای کوناگون روپرور هستند. برای، از میان برداشتن این مانع رشد و پیشرفت جوانان و این تهدید کننده «زنده» زندگی آنان باید هر چه متشکل‌تر و سازمان یافته‌تر عمل کرد. وقت آن است که جوانان ما با تشکیل هسته‌های مخفی مبارزه خود با رژیم را از شکل خودبیو به شکل هدفمند و سازمان یافته تبدیل سازند. آینده از آن جوانان است و به همین سبب مسئله‌پیشان سنگین‌تر.

**نابود باد جنگ،
زنده باد صلح!**

خوشه چین خون: خوشابهار بر آیندگان و گلچینان

... و اینک شهید گرد توده‌ای، ابوالفضل پورحبیب با گلبهای بیرونی و پیش و پی لرزشی در صد اعنة و ایمان به توده‌ها و حزب توده‌ای اش را دیده، او رزم می‌نشاندند و بر زخم‌هاش باز شلاق می‌زندند تا شاید این فرزند راستین خلق را به زانو درآورند، ولی چنگکامه پایداری که نیمی وار بر لبانش می‌گذشت، و آتش خشم را در جلدان فروزانتر می‌ساخت، پایان نمی‌گرفتند. در اوج عجز، شکنجه‌گران از او وصیت نامه خواستند و پس عبیث اندیشیدند که دست و دل ابوقفضل خواهد لرزید. آنان که شنیدند این راه را روزی‌ها با پایداری فهرمانانه «خود در مرافق گوناکون بازجویی، شکنجه و زندان و با سدادن فریاد زنده باد حزب توده» ایران در میدان تیرباران، پولاد بی خلل شخصیت یک پیکارگر انقلابی را بنایش می‌گذارد. او با کردار خود سرهنگ می‌دهد، راه می‌نماید، امید می‌دهد، درس پیکار و فداری به خلق و حزب رامی آموزد.

ابوقفضل، عقاب بلندپردازی بود با روحی شیفته و شیدا و پرای دشمن دست نیافرنتی و شکست آنرا مذکور می‌کنیم. رفیق ابوقفضل پورحبیب از آذر ۶۴ تا هنگام اعدام در سلول مرگ پسرمی‌برد.

این راه را با آمشش باز پذیرفت و پر شاست که پهندیشید و همواره راه حزب را داده دهد. ما راه روزی‌ها را می‌رویم که چهان در صلح و امنیت باشند. ما راه حکمت جوها را می‌رویم که استبداد را در بیهمنان ریشه کن کنیم. ما راه توده ایها را می‌رویم که عدالت و آزادی‌خواهی بر مشعل سرخ حزب‌پیمان، حزب توده ایران بر فروغتر بالی بمانند.

خوشابهار بر آیندگان و گلچینان
نصیب ماست اگر خوشهای خون چهند
زنده باد حزب توده ایران
مرگ بر امیری الهم و ارتقاء
اعضا
۱۳۶۴ آذر

ما زنده به آنهم که آرام نگیریم
وجهیم که آسودگی مادع ماست
با درودهای گرم و آتشین به خانواره «هر
برورم. پدر، خواهر، هرادر گرامی، ساله است
جدا از شا عزیزانم در بازداشت و زندان زیر
لشارهای جسمی و روحی دزخیم، اسیر مرگ
شده‌ام. و با چشم‌اندازی باز و آگاه خودم را آماده
چلنی روزی کرده بودم. عزیزانم مرگ والعیتی
است که هر انسان آزاده و مبارزه از توده‌ای بهای
سنگین زندگی را در راه آرمانها و مقابله بشر-
دوستانه اش گذاشته است. بر مرگ من تأسی
نخورید، تاریخ حزبم این لوح خونین التخار
را بر پیشانم نصب کرده است. راه حزب توده
ایران، راه عدالت و آزادگی توده‌های است. من

فرزندان امید و آفتاب

تا زنجیرهای زجر بجود
با های بایداری را
تا موریانه‌های ترس و تردید بیوشانند
ریشه‌های استخوان استقامت را
تا عشق را عجوze‌های خود فروشی
در بازاری رونق خویش بنمایانند
این کولان مسلح به تسییع و طیلسان
غافلان هیئت تاریخند
و با چهارچشم خود
نمی‌بینند
فرزندان امید و آفتاب را
که بر کف مردانه شان
شمشیرهای انقلاب
خوشانه آب می‌بینند
کهوان

در کارگاه مرگ
در زیر طاقدیس درد
رنستکاری را به صلاحه
عشق را به شلاق
و فرشتگان سرودخوان صلح را
با ساقه‌های ترد زیتون بردار می‌کشند
آنکه
خورشید را در خاک
ماه را در چاه
پرواز پرندۀ را
در رفاقت رنگ را
فرزانگان رنچ در خون
ایستاده بیامی دارند

ادامه آزمصخه اول

پذیرش آتشبس و چشم انداز آینده

رنج و عذاب و ... تمام شد. دهها هزار اسیر در اسارتگاههای عراق در شرایط سخت بسیار بودند. صدها هزار کودک یتیم و زنان بیویه، محصول خیانت خمینی‌ها و رفسنجانی‌ها و خامنه‌ای‌ها و غیره است. آیا مردم ایران این جنایت‌ها و خیانت‌های عظیم را فراموش خواهند کرد؟ البته نه!

پک سال پیش شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۵۹۸ را تصویب رساند. بموجب این قطعنامه طرفین جنگ می‌باشد بلادهای با آتش‌بس موافقت کنند، نیروهای مسلح خود را به مرزهای شناخته شده بین اسلامی عقب بکشند و پس از تبادل اسرای جنگی برای دستیابی به صلح عادلانه پشت میز مذاکره پنشینند. در آن ایام برای همه میهن برستان و از جمله حزب توده ایران روش بود که جنگ نباید ادامه یابد و ادامه جنگ آب ریختن به آسیاب امیریالیس و صهیونیسم جهانی است. حزب توده ایران از لحاظ خصلت طبقاتی و اهداف انسانی اصول مخالف جنگ و طرفدار حل مسائل مورد اختلاف از راه مذاکره بوده و است. ماکه در راه سعادت توده‌های میلیونی زحمتکشان و در درجه اول کارگران و دهقانان بیکار می‌کنیم، با مر سیاستی که زحمتکشان قربانی آن باشند مخالفیم. این امری است طبیعی و نیازی به استدلال ندارد. درست برایه میهن منطق بود که کیتنه مرکزی حزب توده ایران طی اعلامیه‌ای از مردم ایران خواست تاریخ را به قبول قطعنامه ۵۹۸ مجبور کنند. واضح است که حزب مایه‌نگام اتخاذ این تصمیم منافع کثور و زحمتکشان را در نظر داشت. عکس العمل سران مرتعج ج. ۱. چه بود؟ چنانچه یادآور شدید و در اعلامیه "کیتنه" مرکزی حزب توده ایران پیش امون عقب نشینی اخیر رژیم ج. ۱. گفته می‌شود مبلغان جمهوری اسلامی ما را به همسانی نظر با امیریالیس آمریکا متم کردند.

خود سران رژیم چه سیاستی را در پیش گرفتند؟ آنها، درست هنگامی که ابتکار عمل در جبهه‌های را باید داشت داشتند و مناطقی از عراق را اشغال کرده بودند، به طرح انواع پیشنهادهای غیرقابل قبول، از جمله عزل صدام حسین و محاسمه تجاوزکار و غیره، عمل قطعنامه ۵۹۸ را رد کردند. جنگ ادامه یافت. امیریالیس آمریکا با استفاده از فرصتی که سران رژیم فراهم آورده بود، موضع خود را در خلیج فارس تقویت کرد. حملات ناوگان و هلیکوپترهای نظامی آمریکا به سکوهای نفتی و قایق‌های تندرویه تدریج به حمامه "مستقیم به نیروی دریایی ایران و سرانجام به سرتکون کردن هوایپیام، مسافربری ج. ۱. منجر گردید. در جریان جنایتهای آشکار امیریالیس آمریکا صدها ایرانی به قتل رسیدند.

اختلاف شدید میان جنایهای گوناگون در هرم حاکمیت و نیز میان ارتش و سپاه و توجه عده به مبارزه بر سر قدرت همکام با تشید نفرت مردم از جنگ موجب گردید تا ارتش عراق بتواند "قاو" و "تلنجه" و "جز ایر مجنون" و "حلبجه" وغیره را یکی پس از دیگری با سهولت از چنگ نیروهای مسلح ج. ۱. آزاد کند. حتی ارتش عراق وارد خاک ایران شد و شهر دهلران را نابود به تصرف در آورد. در جریان این حملات دهها هزار ایرانی کشته و زخمی و اسیر شدند. طبق اخبار خبرگزاریهای جهان فقط می‌چند روز پیش از ۲ هزار ایرانی در شهر دهلران کشته و پنج هزار نفر به اسارت گرفته شدند.

هنوز چند صبایحی از این فاجعه خونین تکذیب شناگران خامنه‌ای طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد را اعلام داشت. حال، مردم ایران حق دارند بپرسند: چرا این کار بکمال پیش نشده؟ پچه علت می‌باشد طی پک سال دهها هزار تن از جوانان ما قربانی امیال مشتی جنایت‌پیشه بنام هیئت حاکمه باشند؟ چرا می‌باشد در طی همین پک سال شهرهای مادری موتکها را کیفر نهادند و هزاران زن و کودک بیگناه کشته و خانه‌ها و کارخانه‌ها با خاک یکسان شوند؟

آیا تسلیم رژیم ج. ۱. غیرمنتظره بود؟

در روزهای اخیر شاید دهها تفسیر پیش امون اقدام اخیر رژیم "ولایت فقیه" درباره پذیرش بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ را، امنیت منتشر شده است. مفسران هنوز علت روشنی برای این عقب نشینی رژیم نمی‌توانند ارائه دهند. نظرات درباره "این اقدام" ناگهانی هیئت حاکمه ج. ۱. گوناگون است. حتی برخی، عمل ج. ۱. را تلاش برای دستیابی به فرست برا از تجدید نیروی می‌دانند. در این باره چه می‌توان گفت؟

آنچه مسلم است، رویدادهای اخیر برای حزب مابه هیچ وجه غیر مترقبه نبود. هیئت سیاسی کیتنه مرکزی حزب مادر اجلالیه، اخیر خود بیانه‌ای پیش امون وضع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک و نظامی در

کبیری‌ها، عطاواریان‌ها و دهها افسر و درجه‌دار دیگر نقش تعیین کننده داشتند. هم آنها بودند که پس از آزادی شهرها و روستاهای ایران، با توجه به وضع داخلی و اوضاع بین‌المللی و بقصد دفاع از مصالح ملی و با در نظر گرفتن برتری موقعیت ایران بر عراق و نیز روحیه "پسیار ضعیف ارتش عراق" یعنی در بهترین شرایط و زمان بسود ایران، پیشنهاد آتش‌بس و نشستن پشت میز مذاکره برای دستیابی به صلح عادلانه را کردند. در این زمینه رفیق‌الضلی در سخنرانی شجاعانه خود در برابر رئیس جمهوری و دیگر سران رژیم واقعیت را به روشنی بیان کرد. اما سران مرتعج رژیم که سرمت از باده پیروزی بودند، به ویژه بلندپروازیهای شخص خمینی از جمله در زمینه "گرفتن انتقام شخصی از صدام حسین" کشور و مردم ما را وارد ماجراه خوینی کرد که شش سال تمام ادامه داشت.

فرصت طلائی

خرداد ماه ۱۳۶۱، زمانی که ارتش عراق پس از شکست‌های بی‌دریبی از خاک ایران بیرون رانده شد، پک فرصت طلائی برای مذاکره درباره "صلح و تحییل خواستهای عادلانه" ایران به رژیم عراق بود. اما، هیئت حاکمه ج. ۱. با از دست دادن این فرصت طلائی بزرگترین خیانت را به مصالح ملی ایران مرتكب شد. این خیانت را مردم ایران می‌چگاه نخواهند بخشید.

اگر هیئت حاکمه در آن ایام اندکی واقع بینی از خود نشان می‌داد می‌باشد بلادهای به پیشنهاد حزب مادر ایران دادن به جنگ تن می‌داد. اما، برخی از سران رژیم در آن ایام در مراس نمازجمعه، ما را بلند کوی بیکانکان معرفی کردند. چرا؟ برای اینکه ما خواهان صلح بودیم. پس از آن نیز این خاشناین به منافع توده‌های میلیونی، مبارزه "حزب مارا" علیه جنگ همدادی با امیریالیس نامیدند. و این در حالی بود که همه نیروهای صلح‌دوست و مترقبی در سراسر جهان خواهان پایان دادن به جنگ برادرکنی بودند و فقط امیریالیس و صهیونیسم در کردار مخالف ساخت پایان جنگ بودند.

جنگ ایران و عراق محصول پلاسماهه "تولله" امیریالیس آمریکا و متعدد استراتژیک آن اسرائیل بود. سران ج. ۱. نیز با بکار بردن واژه‌های "جنگ تحییلی" در گفتنهایشان، دانسته و بیان انسنه، به تحییل بودن آن آن جانب امیریالیس و صهیونیسم اعتراض می‌کردند. پس در اینصورت باید پرسید: پچه علت وقتی حزب توده ایران در خرداد ماه ۱۳۶۱ در خود را پیشنهاد کرد، پیورش فاشیستی علیه آن سازمان داده شد؟ همه بخارط دارند که پکی از اتهامات واردۀ بر حزب ماطرح مسئله "صلح با عراق بود. در آن ایام خینی که از جان گلشتنی میلیونها ایرانی در پیکار علیه شاه و سرتکون کردن نظام استبداد فردی را به حساب شخص خود می‌گذشت و کمان می‌برد که شنیدت او موجب نابودی رژیم گردیده است، تصویر و اهی پایان دادن به عمر رژیم صدام حسین در عراق و استقرار نظام شاهجه جمهوری اسلامی در آن کشور را در مخیله علیل خود می‌پیوراند. محاسبه "خمینی" و اطرافیانش کودکانه بود؛ آنها می‌گفتند، که حدود. ۴ درصد اهالی عراق شیعه هستند و صدور فرمان خمینی برای طغیان آنها علیه رژیم بعثت کافی خواهد بود.

اما، گذشت زمان نادرست بودن محاسبه "خمینی" و اطرافیانش را به اثبات رساند. پس از آن که جنگ از جانشان شکل تجاوز کارانه گرفت ارتش عراق توانست مواضع دفاعی مستحکمی اتخاذ کند. از سوی دیگر در نتیجه برتری ارتش عراق از لحظات تکنیک نظامی بر ارتش ایران تناسب قوای سابق بهم خورد. از آن پس جنگ شکل فرسایشی بخود گرفت.

درست است که نیروهای مسلح ایران با بکارگیری استراتژی "موج انسانی" در مقابل برتری تکنیک نظامی ارتش عراق تو انتند مناطقی از خاک عراق و از آنچه "قاو"، "تلنجه"، "جز ایر نتفتیز" "مجون"، مرابهای "هور الهیز" و "هور العظیم"، و دهها ارتفاع بکفته سران رژیم استراتژیک در خاک عراق را به تصرف در آورند، اما هر وجب از اراضی باخون دهها هزار ایرانی آشته شد.

ادامه جنگ به اراده "خمینی" فقط برای میهن مابه بهای بیش از یک میلیون کشته و معلول، صدها شهر و روستای مخوبه، میلیونها انسان آواره، در شکست کامل اقتصادی و مالی، پنج میلیون بیکار، کشته شنیده شد.

در پی یک رشته رویدادها و زمینه چینی های بود که روز یکشنبه ۲۶ تیر ماه ۷۶ "صدای جمهوری اسلامی" خبر "نشست بسیار مهم" روسای سه قوه، نمایندگان مجلس خبرگان، اعضاء شورای نگهبان، فرماندهان سیاه و ارتش، شورای عالی قضائی را با شرکت احمد خمینی و توسلی (از دفتر خمینی) در "نهاد ریاست جمهوری" برای رسیدگی به مسائل مهم کشور پیش کرد. البته رژیم از اثناً مذاکرات این نشت خودداری کرد. ولی، بکروز بعد، یعنی روز دو شنبه، با انتشار تلکرام خامنه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متعدد رباره "پذیرش بی چون و چرا قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و متعاقب آن انتشار اعلامیه "رفسنجانی با امضا" "ستاد فرماندهی کل قوا" محتوی کلی مذاکرات در نشت پادشاه برای همکان روش شد.

نقش خمینی

رسانه‌های گروهی خارجی می‌کوشند تا نقش خمینی را در اتخاذ این تصمیم درک کنند. در این باره انواع نظرات ارائه می‌شود. ما، خاطرنشان ساختیم که بگرسن و بیماریهای عدیده مانع از تمرکز فکری خمینی است و اصولاً اراده وی برای عکس العمل در پر ابر این با آن نثار و تمییز بیش از پیش تضییف شده است. می‌توان گفت احمد خمینی و "دفتر امام" مغز متفکر "دربار خمینی" بشمار می‌روند.

هم اکنون دو سند در پر ابر ماست: اطلاعیه "ستاد فرماندهی کل قوا" مورخ ۲۷ تیر ماه و پیام خمینی مورخ ۲۹ تیر ماه ۶۷.

در اطلاعیه "ستاد فرماندهی کل قوا" در بند ۲، یعنی آخرین بند با جملات کلی از "رهبری حکیمان حضرت امام" که گویا "در طوفانی ترین لحظه‌ها و سختی‌ها"، انقلاب اسلامی را هدایت کرده سخن می‌رود، بدون اینکه صریحاً گفته شود که شخص خمینی مبتکر قبول قطعنامه ۵۹۸ بوده است. اطلاعیه پر خلاف رسم جاری تاکید می‌کند که "مردم بزرگوار ایران تسلیم اراده" هقند "نه مطابق معقول اراده" خمینی.

از همان روز نخست انتشار خبر مربوط به پذیرش قطعنامه روش بود که "حزب الله" در پر ابر آن مقاومت خواهد کرد. پیام ۱۰ دقیقه‌ای که بنام خمینی از جانب "صدای ج. ا." پخش شد در واقع پاسخ به مسائلی است که در روزهای اخیر از طرف جنگاهای در حال مبارزه مطرح و موجب تشنج در جامعه گردیده است. در پیام ۹۰ دقیقه‌ای از جمله گفته می‌شود: "من چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در چنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی بواسطه حادث و عواملی که از ذکر آن فعل خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روش خواهد شد و با توجه به نظر تمام کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد دلسری و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کوتاهی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم . . .".

سؤال این است: چرا خمینی این پیام را همراه با نامه "خامنه‌ای، انتشار نداد؟ آن "حوادث و عواملی" که طی "چند روز" موضع خمینی را دگرگون ساخت و او را مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ کرد چیست و وجه علت باید از مردم ایران پنهان بماند؟



پس از خروج ارتش تجاوزگر از خاک میهنمان، هدف ار توجوان به باتلاقهای مرگ چه بود؟

ایران منتشر ساخت. ما، در این بیانیه بدرستی تشخیص بحران درج. آ. و آماده بودن شرایط بینی را که در صورت وجود عامل ذهنی می‌توانست به خاتمه حیات رژیم منحط "ولایت فقیه" بینجامد. خاطرنشان کرده بودیم. درست هنگامی که مبلغان رژیم "هجوم" توده‌های جبهه‌های جنگ را تبلیغ می‌کردند و پیاره‌ای از مفسران رسانه‌های گروهی غرب از پایه‌جایی "نفوذ" خمینی سخن می‌گفتند و مسئله "ثبات رژیم" را مطرح می‌کردند، حزب مایس از تحلیل‌همه جانبی وضع جامعه و تناسب نیروها و روحیه "توده‌ها" به این نتیجه "منطقی و صحیح رسید که توده‌های بیلیونی سختکشان دیگر تحت هیچ شرایطی حاضر به شهادت" نیستند و تنفر از جنگ و جنگ طلبان دامنه "بسیار گسترده‌ای یافته است و برخلاف ادعای مبلغان رژیم قادر به تأمین نیروی انسانی برای جبهه‌ها نیست.

از سوی دیگر حزب مایس از تحلیل وضع اجتماعی - اقتصادی و مالی کشور بدرستی و رشکت اقتصادی و مالی رژیم را اعلام کرد. افزایش مستمر هزینه‌های ارزی و ریالی جنگ به سوازات کاهش بهای نفت خام در بازار جهانی از سوی و ضربات شکننده "نیروی هوایی عراق بر بنادر بارگیری و نفتکش‌های ایرانی از سوی دیگر، درآمد ایران از نفت (یکانه منبع درآمد ارزی کشور) را به حداقل رساند. برای دست اندکاران اقتصاد کشور روش بود که رژیم قادر به تأمین جبهه‌ها از لحاظ تجهیزات نظامی نیز نیست. در واقع موجودیت رژیم زیر علمت سوال قرار گرفته بود.

در چنین اوضاع و احوالی بود که گروه رفسنجانی - احمد خمینی مذاکرات پنهانی با آمریکا و دیگر دولتها امیریالیستی غرب را آغاز کردند. زمینه این مذاکرات با آدم دزدیهای "حزب الله" لبنان - مزدوران ج. ا. آغاز شده بود. اما، با آنکه عوامل فراوان امکان عقب نشینی تا مرز قبول قاعده‌نامه ۵۹۸ فراهم کرده بود. ولی، شیوه‌ی بدینچ و چه حاضر به عقب نشینی نبود. اظهارات وی دایر بر اینکه فعالیت از مرکن می‌توان از صلح با عارض خن گفت، خود گویای وضع حاکم بود.

اما، سلامتی خمینی رو به و خامت می‌رفت. ظهور چند ثانیه‌ای وی بر صحنه تلویزیون نشانگر وضع و خیم جسمانی وی بود. چنانکه مادر تفسیرهای نوشتیم، خمینی توانانی اندیشیدن و تصمیم گیری را از دست داده بود. پیشنهاد خامنه‌ای دایر بر انتخاب رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده "کل قوا در ارتباط زدیک با وضع جسمی خمینی بود. البته در این میان به هیچ وجه نباید به نقش احمد خمینی و توسلی کم بها داد. همچنین نباید از نظر دور داشت، شخص رفسنجانی نیز، که زمانی خود را حامی محروم‌مان معرفی می‌کرد، عمل در جبهه صاحبیان قدرت مالی قرار دارد. رفسنجانی که مطبوعات غرب او را "پراگاتیست" و "میانه‌رو" می‌نامند و رویش حساب می‌کنند، بموقع خود همراه با احمد خمینی در ماجراجی "ایران - گیت" نقش تعیین کننده داشت و بعد از مذاکرات پنهانی با نایندگان دولت ریکان رادر ژنو آمریکا سازمان داد.

کشاندن رضائی به صفحه "تلوزیون و وادار کردن وی به اعتراف به اشتباههایی که منجر به شکست در "فاو" و "شلمچه" و ... شدو نیز اثناً از قبل زمینه "خرید تجهیزات نظامی و باصطلاح ایجاد کارخانه‌های تولید تجهیزات نظامی در داخل، جلب برخی دیگر از سران سیاه پاسداران به دادستانی نظامی و نیز نقشه اعزام عده‌ای از کادرهای درجه اول سیاه به جبهه‌های جنگ و غیره همراه با تعیین رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده "کل قوا" تغییر فوری و بدون توضیح پاسداران محافظ خمینی، گل‌اشتن کیسه‌های شنی در جلوی در ورودی برخی از وزارت‌خانها و نهادهای موثر دولتی بقدص دفاع از آنها، بیانکر آن بود که سران رژیم با خطر بزرگ و پیرو هستند. بموجب اخبار رسیده، عده‌ای از فرماندهان سیاه پاسداران در صدد بودند با استفاده از تارضای عمومی بیویزه در زمینه "ادامه" جنگ دست به کودتا بزندند. البته سران رژیم موقع شدن این اقدام را خنثی سازند. عده‌ای از شرکت کنندگان در تدارک کودتا توانستند به خارج از کشور فرار کنند. اما، برخی دیگر از زمینه‌جنبان کودتا دستکشند و از قرار معلوم هم اکنون در زندان بسیاری برند.

همه این عوامل هیئت حاکمه را در مقابل دوراهی ادامه "جنگ و پایان دادن به آن قرارداد. مهمترین مانع اتخاذ سیاست پایان دادن به جنگ مانند هیشه شخص خمینی بود. آمادگی احمد خمینی به همکاری با رفسنجانی، پیاره از این زمینه، هر چند موقتی هم باشد، این مانع را از سر راه برداشت.

کمونیستی و کارگری ایران با خون نوشته خواهد شد.

میثت سیاسی حزب توده ایران به خاطره

این شهید توده‌ای درود می‌فرستد و شهادتش را به

میارزه "حزب در شرایط فعالیت علی و نیمه علی، خانواده اش و همه رفقاء حزبی" تسلیت می‌کوید. ما

بویژه در آذربایجان، نقش بزرگی ایفا کرد. رفاقتی از همه رفقاء حزبی، در داخل و خارج از شهر،

که با او در ارتباط بودند تلاش پیگیری

می‌خواهیم که در بزرگداشت رفیق انوشیروان

شبانه روزی اش را فراموش نخواهند کرد. رفق

ابراهیمی همت کنند. بزرگداشت وی، باید با

انوشه‌روان ابراهیمی دکتر در علوم تاریخ بود و

اشتگری جنایتهای رژیم توأم باشد. وظیفه

شناخت و پیغام، بویژه در زمینه "جنیش کارگری" و

واحدهای حزبی در خارج کشور است که با تشکیل

کمونیستی، او را در پیشبرد وظایف خلیفیش یاری

جلات، مراجعت به سازمان حقوق پسر سازمان ملل

می‌رساند. او در بیشتر سال شکنجه‌های هر استان

متعدد، احزاب، جمیعت‌ها و سازمانهای مترقبی و

جسمی و روحی با قلبی آکنده از عشق به خلق و حزب

سراجمان بعنوان یک تدوه‌ای معتقد و مونم باقامت

ابراهیمی در نشیبات گوناگون، "جهه" جنایتکار

استوار به استقبال شهادت رفت. زحمتکشان ایران

رژیم "ولایت فقیه" را بیش از پیش به جهانیان

هیچگاه خاطره "چنین انسانهای را که همواره در

کنار تدوه‌ها مانده‌اند از باد نخواهند برد. نام

رفیق انوشه‌روان امیر ابراهیمی در تاریخ جنیش

نشان دهند.

میثت سیاسی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهری

۶۷

اطلاعه‌های هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

وفیق انوشه‌روان ابو‌احیمی به شهادت رسید (ادامه از صفحه ۱۰)

پروردگار خلق، قاتلان برادر نامدارش، رفیق

فریدون ابراهیمی، وجودش را به آتش می‌کشید.

آتش این کینه و این خشم مقدس، هر اه با عشق به

تدوه‌ها و آرمانهای تدوه‌ای و کمونیستی، هرگز در

قلب رفیق انوشه‌روان ابراهیمی فروکش نکرد. رفیق

ابراهیمی در تمام دوره "مهاجرت" چه در مقام عضو

کمیته مرکزی، و سپس معاونت صدر کمیته مرکزی

فرقه "دمکرات آذربایجان، سازمان ایالتی حزب

تدوه ایران در آذربایجان، و چه در مقام عضویت

کمیته مرکزی حزب توده" ایران (سال ۱۳۵۴)

یکی از فعالترین اعضاء حزب بود. وی در سال

۱۳۵۷، در آستانه بازگشت به کشور، بدعاوضیت

هیئت اجرایی و دبیران کمیته مرکزی حزب توده"

ایران برگزیده شد. در ایران، وی در سازماندهی

پذیرش آتش‌بس و چشم انداز آینده (ادامه از صفحه ۱۰)

ما از یک عامل یعنی تدارک کودتا از جانب برخی از فرماندهان سپاه

نام بردیم. البته عوامل دیگری که این چنین هراس خیلی را موجب شده نیز

وجود دارد، که سران رژیم با خودداری از ذکر آنها نخواهند توانست جنایات

خود را بروز بشناسی کنند. همانطور که شد، آنچه که هیئت حاکم را به عقب

نشینی و ادانت در دوچه "اول نفرت عمیق تدوه‌ها از ادامه" جنگ، خودداری

بدنه" ارتش از شرکت در جنگ، و رشکت مالی و ناتوانی تامین جبهه‌ها با

نیروی انسانی بود.

در پیام ۱۰ دقیقه‌ای خیلی که می‌شود که پذیرش قاعده‌نمای ۵۹۸

"مسیر مصلحت اسلام و مسلمین" است. این چه اسلامی است که مصلحت آن

یکروز کشتار جمعی انسانها در جبهه هاراضور می‌سازد و روز دیگر یا پیش از دادن

به جنگ را آنهم با تاخیر شش سال تجویز می‌کند. مردم میهن مابحق می‌برند

جز او بجهة علت شش سال پیش، وقتی ابتکار عمل در دست نیروهای مسلح ایران

بود برای دفاع از "اسلام" پشت میز مذاکره نشستند و یا چرا یکسال قبل

چنین دقایقی جایز نبود؟

رویدادهای اخیر صلف و درماندگی رژیم را بیش از پیش آشکار ساخت.

نجات رژیم "ولایت فقیه" از خشم و نفرت مردم غیر ممکن است، گرچه در

پیام ۱۰ دقیقه‌ای در این مورد تلاش زیاد می‌شود. ضربه‌ای که رژیم خیلی بر

میهن و مردم مأمور آورده در تاریخ معاصر ایران سابقه نداشت است.

خواست اکثریت مردم

رژیم که سرنوشت میلیونها ایرانی را بازیجه "امیال ضد انسانی خود

قرار دهد، نمی‌تواند مورد قبول تدوه‌ها باشد. این رژیم باید سرنگون گردد و

گرداند کسان آن به مثابه "جنایتکاران جنگ در دادگاه خلق محاسبه شوند.

این خواست مادران داغدیده، بیوه‌زنان و کودکان یتنم است. این خواست

صدھاھزار انسان علیلی است که قربانی هوسپازیهای خیلی و دیگران شده اند.

این خواست میلیونها انسانی است که به علت خیانت رژیم کار و کشاورز خود

را از دست داده اند.

بدون تردید تشریح و تحلیل مه جانبه رویدادهای اخیر نیاز به

بررسی‌های رزف دارد و این نیز با گذشت زمان و افشا" دیگر اسرار پیشتر پرده

امکان پذیر خواهد بود. اما، از هم اکنون می‌توان به جرات کفت که تلاش

رژیم ضد خلقی خیلی برای بروز رفت از وضع کنونی به موفقیت خواهد

انجامید. پایان جنگ، که ما امیدواریم هر چه زودتر تحقق یابد، به معنی

پایان یافتن اختلافهای جنابان و کشورها و تثبیت رژیم نبوده و نیست.

درست بر عکس اختلاف میان جناحهای دادن اند تا پایه دیده و از برابر از برابر

کنند کسان بیام ۱۰ دقیقه‌ای خیلی کوشیده اند تا پایه دیده و از برابر از برابر

چه بیشتر اختلافها جلوگیری کنند. تصادقی نیست که در بیام "از همه"

کوبند کسان و دست اند رکاران و مسئولین کشور و مدیر ار رسانه‌ها و مطبوعات

طلب می‌شود تا "خود را از معركه آفرینی دور کنند". و پیاده همان سند برای

از مجموعه "آنچه که شد می‌توان نتیجه گرفت که با پایان یافتن جنگ

شاید مساعدتری برای تجهیز و تشکیل نیروهای خلق علیه رژیم بوجود خواهد

آمد. حرف برس آن است که آیا نیروهای چپ و مترقبی و دمکراتیک خواهد

توانست از این امکان بهره کبرند؟ آیا نیروهای چپ از کلته درس خواهد

گرفت، و به تفرقه پایان خواهد داد؟ آیا احزاب و سازمانهای سیاسی انقلابی

و دمکراتیک صریحت از عقاید و نظرات گوناگون موفق خواهد شد تا در جبهه

و احمدی میارزه "مشترک را آغاز کنند؟ باید، در آینده" تزدیک، به این

سوالها پاسخ دقیق و صریح داد. پاسخ مثبت بسود خلق و بویژه طبقه "کارگرو

دیگر زحمتکشان و پاسخ منفی بسود ارجاع و امیریالیس خواهد بود.

پیشنهادهای تازه . . .

همانگ خود را برای تحکیم صلح و امنیت، تحقق خلخ سلاح و ایجاد محیط مناسب برای گفتگوهای گسترده بین المللی تشید کنند. در این نکته توافق قطعی وجود داشت که مسائل اصلی دنیا معاصر عبارتند از اجتناب از جنگ، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و اقدام به خلخ سلاح و پیش از همه در عرصه جنگ افزارهای هسته ای.

در این اطلاعیه کشورهای عضو پیمان ورشو بار دیگر از کشورهای عضو "ناتو" و همه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس تامین امنیت و همکاری در اروپا دعوت میکنند کوشش برای کاهش تسلیحات و نیروهای مسلح و تحکیم ثبات را دو چندان و از هر اقدامی که بتواند مشکلاتی در این راه بوجود آورد پرهیز کنند.

در اطلاعیه گفته می شود که در زمینه خلخ سلاح اولویت با وظایف زیراست :

- بستن پیمانی پیرامون کاهش پنجاه درصد از جنگ افزارهای استراتژیکی تهاجمی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا ضمن رعایت دقیق بیان دفاع ضد موشکی، به همان شکلی که در سال ۱۹۷۲ منعقد شده بود و گام بیرون نگذاردن از محدوده این قرارداد طی مدت زمانی که درباره آن باید توافق بعمل آید.
- منوعیت کامل همه جانبه آزمایش های هسته ای و پعنوان کامی در این راستا انعقاد پیمانی در مورد اتخاذ تدبیر موثری برای کنترل، پدیده ای که پیمانهای میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، منعقد شده در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ در کوتاه ترین زمان ممکن توشیح شود، همچنین قراردادی درباره کاستن از تعداد و قدرت انفجارهای اتمی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بسته شود.
- انعقاد کتوانسیون پیرامون منوعیت کامل جنگ افزارهای شیمیائی و نابود کردن ذخایر موجود آن.
- کاستن از نیروهای مسلح و تسلیحات عادی در اروپا همراه با کاهش هزینه های نظمی.

کشورهای هم پیمان سوسیالیستی تمايل قاطع خود را بر بستن هر چه سریعتر پیمانی پیرامون بر طرف کردن عدم تناسب و توازن نیروهای مسلح و تسلیحات، هم در اروپا و هم در نقاط معین دیگر و همچنین کاهش قابل ملاحظه نیروهای مسلح و همچنین اتفاقی که می خواهد این مقدار محدود تر از اینکه آنها امکان حملات غافلگیرانه و عملیات تهاجمی بر طرف گردد.

* فاچاقچی شش ماهه

مسئول ستاد مرکزی مبارزه با مواد مخدوشیت، انقلاب اسلامی، پیرامون وضعیت سنی دستگیر شدگان ذر ارتیاط با مواد مخدوشی کوید: "در بین دستگیر شدگان افراد ماهه تا پیغمرا مشاهده می شود که ۹۰ درصد از آنان زیر ۲۰ سال هستند" (اطلاعات ۶۷/۴/۸).

هشدار و فراخوان

عوارض استنشاق این کازیف کردن صورت و تورم بود است. کسانیکه در زمانهای اخیر موفق به دیدن اینکونه زندانیان شده اند چنین عوارضی را در آنان مشاهده کرده اند. ما هواداران حزب و خانواده های زندانیان سیاسی را فرا می خوانیم مواطن توطنهای چنایتکارانه گردانندگان رژیم باشند و در داخل و خارج کشور به افساگری گسترشده تری دست بزنند تا آنان نتوانند اسناد "گویای" شکنجه های وحشیانه در زندانهای جمهوری اسلامی را بی سروصدا نابود کنند.

باید کارزار دفاع از زندانیان سیاسی و تلاش برای آزادی آنان رادر سطحی بر مراتب گسترشده از بیش شد بخشید.

*

بر اساس گزارشها رسیده، پس از شکست های اخیر سیاسی و نظامی گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" توطله چنایتکارانه ای را علیه زندانیان سیاسی تدارک دیده اند. بسیاری از اسیران دریند از نوبه دخنه های شکنجه و تعزیر برده شده اند. رژیم در صدد نیست و نایبر کردن بی سروصدا گروهی از زندانیان شکنجه شده و مقاوم سیاسی است تا مبادا آزاد شوند و رازهای مکشی را با خود بیرون بیاورند. این روزها گروهی از زندانیان را دست چین کرده و به زندانهای گوناگون از جمله زندان "رجائی شهر" (کوهر دشت) منتقل ساخته اند. در بیان آنان رفاقت مانیز دیده می شوند. در سلولها مخفیانه گاز مخصوص پخش میشود که موجب سرف و تنگی نفس زندانیان می گردد. از

"پیاجانادل پر درد مابین"

و خلاصه گوشه گیر و بی حوصله و کم حرف شده و برخلاف گذشته اصلا با کسی صحبت نمی کند و آن روحیه "شادابی را که از او می شناسید از دست داده ...

خلاصه از هنگی تان طلب آمرزش داریم. اگر هم دیگر را تدبیریم بدهیا بیان را به بزرگستان بیخشید. به اینکه اگر جانی برایم مانده و زنده بودم نامه اتان. را بخوانم و دوباره جواب بنویسم.

پیاجانادل پر درد مابین
سرش سرخ و روی زرد مابین
غم مهجوی و درد صبوری
همه بر جان غم پرورد مابین"

از نامه "یک دختر پانزده ساله



* عملیات بیاد ماندنی

یکی از فرماندهان عملیات بیت المقدس -

عملیات بیت المقدس - ۷ جزء بیاد

ماندنی ترین حملات خواهد بود. زیرا سپاهیان مادر

حالی که می خندیدند و با شادمانی و جسارت توبیخانه

دشن عبور کردند ... از میان ۵- گردان مکانیزه

دشن را در آتش سوزانند ... از تسبیح نخستین

خاکریز تاسوز اندن آخرین توبیخانه دشن حتی یک

قطره خون از بینی بجهه های تیپ مانیامد ... بجهه ها

اصرار می کردند که بگذر از پیشوی کنیم و مناطق

گرفته شده را تثبیت کنیم. اما آنان را مجبور

کردیم که باز گردند. زیرا مدعی عده عملیات

کردیم که باز گردند. زیرا مدعی عده عملیات

انهادم نیرو و استحکامات و دادن پاسخ مناسب به

گستاخیهای نظامی در برخی جبهه های جنگ

بود... "(کیهان ۶۷/۲/۲۶).

.... اگر از حال خانواده "ما بخواهید همکی فعل سالم هستیم و آرزومند دیدار شما و برگشتنتان به ایران. البته نه الان، چون فعل در تهران و کل ایران خون بیبا شده و همه جا کشتار است و مرگ و میر. امیدوارم که هر چه زودتر این جنگ لعنتی تمام شود. عموجان، من یکی که جانم به لب رسیده است و واقعا خسته و درمانده شده ام. همه جا خون و دود و آوار و مرده است. در ایرانی که نزدیک نوروز همه شاد بودند، جایی که جوانانش از کوچکی نقشه ها برای آینده شان می کشیدند، حالا دیگر از بدنبال آمدن شان هم متفاوت شده اند، دیگر چه رسیده به اینکه بنو اهند شاد باشند. از این حرفاها بگاریم. خودتان بهتر مطلع هستید که چه کشتاری اینجا می شود و چه قیامتی است.

از اینکه در توشن جواب نامه تا خیر پیدا آمده است شرمende ام. چند روزی است که مدارس را به علت این موقعیت زودتر از موعده مقرر تعطیل کرده اند و امتحانات را برای بعد گذاشته اند و همچنین ترس و حشمتی به مامان دست داده و نی کذارد ما از منزل بیرون برویم. باور کنید اعصابم بکلی خرد شده و حوصله ام را می بود. اما حالا یکی کمی به اوضاع عادت کرده ام و دیگر مرده یا زنده ماندن برای من هیچ فرقی ندارد. قبل از مرگ می ترسیدم ولی حالا با آغوش باز آن را می بدم، چون خسته شده ام ...

مثل اینکه بانامه اعصابتاران را خرد کردم، ولی خوب عموجان، همه اش در دل است. بغير از شاکسی رابرای حرفا زدن پیدا نکردم و دارم از غم و غصه منفجر می شوم، چون اینجا همه خودشان دردمندند و در دل دارند و در دل کردن من مثل نمک پاشیدن روى زخمشان است.

اگر از بابا نامه بستان از نی روشن ناراحت نباشد. چون او اصلًا حال و روز خودش را نمی داند. گیج و سر در کم دور خودش می چرخد و حوصله هیچ کاری را ندارد. از طرف اداره به او تکلیف کرده اند که باید برای تعليمات نظامی بروند

زادروز نلسون ماندلا را شادباش می گوئیم



روز دوشنبه ۱۸ ژوئیه سیلی از درود و شادباش از پنج قاره جهان بسوی زندان "پولز مور" آفریقای جنوبی، جاری شد. نلسون ماندلا، رهبر "کنگره ملی آفریقا"، که ۲۶ سال است درین دژخیمان "پرتوریا" بسی می برد، هفتاد ساله شد. ما توده ایها نیز، چون میلیونها تن در سراسر جهان، بهترین شادباش های خود را به این مبارز خستگی نایذیر تقدیم میداریم و بار دیگر همبستگی خویش را با او و خلق سرافرازش، که دلیرانه در راه آفریقای جنوبی دمکراتیک، آزاد و بری از هرگونه نژادپرستی می رزمند، ابراز میکنیم.

حزب توده ایران آزادی بیدرنگ و بلاشرط نلسون ماندلا و همزمان اورا از رئیم "پرتوریا" خواستار است.



کمکهای مالی رسیده:

جمعی از هاداران حزب درستیں ۱۳۰ فرانک	دوستی ازدانمارک ۱۵۰ + ۱۵ کرون
مانی از نروژ ۹۰۰ کرون	کل رسیده ازسوییں
۲۰ دلار	کل به حزب
۱۵۰۰ اپوند	سام کالیفرنیا
۵ دلار	

NAMEH
MARDOM
NO: 217

آدرس پستی:
P.B.49034
10028 Stockholm 49
Sweden

26 July 1988

موج همبستگی بارفیق احمد داش

این نامه جنایات رئیم جمهوری اسلامی ایران را در قبال زندانیان سیاسی محکوم می سازد.
این مبارز با شهامت، بدون هراس از خطری، که جان او را در زندان تهدید میکند، به واکنش در پرایر نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی فرامیخواند..
در دنیا به اعلامیه ضمن اشاره به جنگ ایران و عراق یادآوری می شود، که "رئیم از این وضع برای تشدید اختناق سیاه و دهشت گستر" خود بهره می جویند.

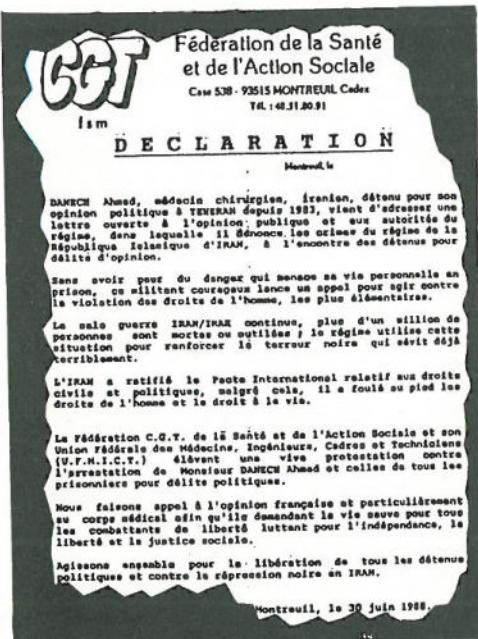
"ایران، علیرغم آنکه قرارداد بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده است، حقوق بشر حق زندگی را پایمال میسازد".

دریابیان اعلامیه "می خوانیم":
"福德اسیون بهداشت و اقدام اجتماعی ث.ر.ت." و "اتحادیه فدرال پزشکان، مهندسان، تکنیکنها و پرسنل پزشکی" با صدای بلند به دستگیری آقای احمد داش و دیگر زندانیان سیاسی اعتراض میکنند. ما افکار عمومی فرانسه و بیویه جامعه پزشکی را فرا میشوایم، که آزادی همه پیکارگران راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را بطلبند.

دست بدست هم دهیم و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و علیه اختناق سیاه در ایران به مبارزه پردازیم".

از سوی دیگر، "روزنامه مورنینگ استار" (بریتانیا) در مقاله ای از جمله می نویسد:

در بی انتشار نامه رفیق احمد داش ("نامه مردم" - شماره ۲۱۱)، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از زندان اوین به منتظر، احزاب، سازمانها، رسانه های گروهی و شخصیت های جهان به نشر محتوای آن و اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران پرداختند. آنها خواستار رفع تضییق از رفیق دریندما و آزادی او و دیگر زندانیان سیاسی ایران شده اند.



"نامه ای، که احمد داش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، به آیت الله منتظری نوشته است و در ایران دست بدست می شود، از شکنجه هایی سخن میکوید، که وی متهم گردیده و یا ناظر آن بوده است".

روزنامه بریتانیایی سیس به نقل کوشش های تکان دهنده ای از نامه رفیق داش می پردازد.

پیشنهاد های تازه کشورهای عضو پیمان ورشو

اخير و اینکه علیرغم برداشته شدن گامهای مثبت، وضع در جهان همچنان بفرنچ و مقضاد است و بقای بشریت را خطرات جدی تهدید میکند، همه دولتها را فرا خوانند تا تلاش های بقیه در ص ۷

"福德اسیون بهداشت و اقدام اجتماعی ث.ر.ت." فرانسه در اعلامیه ای، که روز ۲۰ ژوئن منتشر ساخت، اعلام داشت:

"احمد داش، پزشک جراح ایرانی، که در سال ۱۹۸۲ بخطاب عقاید سیاسی خود در تهران دستگیر شد، نامه ای سرگشاده خطاب به افکار عمومی و مقامات رئیم منتشر کرده است. اور

از پانزدهم تا شانزدهم ژوئیه ۱۹۸۸ رهبران طرزی اول هفت کشور عضو پیمان ورشو، نشست نویتی کمیته سیاسی مشورتی خود را در ورشو، پایتخت لهستان، برگزار کردند. در اطلاعیه نهایی این نشست، پس از بررسی رویدادهای مثبت سالهای

جبهه متحده خلق ضامن پیروزی انقلاب است